



## عصر جدید خلیج فارس به روایت موسویان

«از سال 2003 موضوع غنی سازی اورانیوم در قلب منازعه هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی، به خصوص آمریکا، قرار داشته است. ایران همواره استدلال کرده است که در چارچوب قوانین ان.پی.تی، غنی سازی حق مسلمش بوده و توقف برنامه مذکور "خط قرمز" است که نمی توان از آن عبور کرد. آمریکا با این موضع ایران مخالفت ورزیده است.»

کد خبر: ۱۷۰۹۶۸

تاریخ: ۱۱ آذر ۱۳۹۲ - ۲۱:۰۳

«از سال 2003 موضوع غنی سازی اورانیوم در قلب منازعه هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی، به خصوص آمریکا، قرار داشته است. ایران همواره استدلال کرده است که در چارچوب قوانین ان.پی.تی، غنی سازی حق مسلمش بوده و توقف برنامه مذکور "خط قرمز" است که نمی توان از آن عبور کرد. آمریکا با این موضع ایران مخالفت ورزیده است.»

حسین موسویان در المانیور نوشت: در روز 24 نوامبر، پس از چهار روز مذاکرات نفس گیر در ژنو، ایران و گروه 5+1 توافقی موقت را به امضاء رساندند که پیش درآمدی بر یک توافق دراز مدت و همه جانبه محسوب می گردد. بلافاصله پس از آن، جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران طی یک نشست خبری اظهار داشت که در دو جای متن توافقنامه بطور صریح به این امر اشاره شده که برنامه غنی سازی ادامه یافته و این موضوع بخشی از توافق فعلی و هر نوع توافقی در آینده خواهد بود. اشاره ظریف به آن بخش از توافقنامه بود که در آن آمده است که توافق نهائی شامل "یک برنامه غنی سازی با تعریف مشترک و محدودیت‌های عملی و اقدامات شفاف ساز به منظور تضمین ماهیت صلح آمیز برنامه هسته‌ای" ایران خواهد بود.

در واکنش به این موضع گیری، جان کری، وزیر امور خارجه در مصاحبه ای با شبکه خبری ABC گفت: "خیر، (اصولا) حقی برای غنی سازی وجود ندارد. ما حقی برای غنی سازی را به رسمیت نمی شناسیم. این موضوع در ان پی تی، پیمان عدم اشاعه سلاح های هسته ای، به وضوح و بسیار بسیار روشن آمده است که چنین حقی برای غنی سازی وجود ندارد".

بر خلاف نظر خانم وندی شرمن، مذاکره کننده ارشد آمریکا، که این امر "موضع همیشگی آمریکا بوده است" چهار سال پیش، زمانی که جان کری رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا بود، در مصاحبه ای با فایننشال تایمز، برداشت کاملا متفاوتی را از ان پی تی ارائه کرد. وی گفت: "(این رویکرد) دولت بوش مبنی بر اینکه هیچ غنی سازی ای نباید صورت بگیرد مضحک است...چرا که به نظر مردم بسیار غیر منطقی به نظر می رسد... (این موضع گیری) دیپلماسی از نوع شلوغ کاری بود. ائتلاف انرژی بود. باعث شد مواضع (دو طرف) را سخت تر کند... آنها حق دارند که انرژی هسته‌ای صلح آمیز داشته باشند و به آن منظور هم غنی سازی کنند". در تایید سخنان کری، در سال 2010، هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه وقت آمریکا به بی بی سی اظهار داشت که یک معامله نهائی می تواند به ایران اجازه غنی سازی دهد. "آن ها می توانند در زمانی در آینده به غنی سازی اورانیوم بپردازند مشروط بر این که این کار با روشی مسئولانه و منطبق با تعهدات بین المللی صورت بگیرد".

به هر تقدیر، گنجاندن موضوع غنی سازی باعث تحقق توافق ژنو شد، هر چند که حدود آن باید در مذاکرات آتی مورد توافق قرار بگیرد. بدون این امر، دنیا یک بار دیگر شاهد یک شکست فاجعه آمیز مذاکرات می‌بود.

توافق ژنو یک پیروزی تاریخی بود چرا که هم ایران و هم آمریکا نشان دادند که درس های بزرگی از گذشته آموخته اند. موضع آشتی ناپذیری که ظرف 34 سال گذشته دو طرف نسبت به یکدیگر اتخاذ کرده بودند منافع و امنیت ملی هیچ یک را تامین نمی کرد. اتفاق عظیمی که رخ داد این بود که پس از بیش از سه دهه ایران و آمریکا توانستند با هدایت

مذاکراتی معنادار، در بالاترین سطح دیپلماتیک، بر سر منازعه ای به غایت پیچیده، با این هدف که در کمتر از یک سال به یک راه حل دائمی دست یابند، با یکدیگر توافق کنند.

نتایج این رویکرد بی سابقه می تواند از مرز موضوع هسته ای ایران فراتر رفته و جغرافیای سیاسی منطقه را از نو شکل دهد. تسلیم نشدن دولت اوپاما به فشار های لابی حامی اسرائیل و کشورهای عرب منطقه، که مخالف حصول چنین توافقی بودند، می تواند سپیده دم عصر جدیدی در سیاست خارجی آمریکا، در منطقه خاورمیانه را نوید دهد.

جان کری، در یک نشست خبری در ژنو، با برجسته کردن عزم اوپاما برای خاتمه دادن به بحران هسته ای ایران گفت در حالی که برخی در کنگره در پی آن هستند که تحریم های جدیدی بر روی ایران اعمال کنند "واضح است که پزیرندت (اوپاما نیز) امکان وتو را دارد".

رابطه ایران و آمریکا نمی باید در چارچوب یک بازی با حاصل جمع صفر تعریف شود (که الزاما باید یک طرف برنده و طرف دیگر بازنده باشد). همکاری آمریکا به عنوان یک قدرت جهانی و ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، می تواند ثبات را از افغانستان در شرق، تا لبنان در غرب (که در شرف در غلطیدن در یک جنگ خانگی دیگر بر اثر دخالت برخی از کشورهای عربی است) به منطقه باز گرداند.

سلفی های افراطی و تروریست ها دشمنان مشترک ایران، آمریکا هستند. ایران و آمریکا برای تامین منافع ملی خود هر دو به ثبات در منطقه نیازمندند. ایران در پی آن است که نفت خود را بفروشد و سرمایه گذاری خارجی جهت توسعه خود جذب کند و جهان سرمایه داری به رهبری آمریکا به دنبال امنیت در گذرگاههای آبی در منطقه برای عبور امن نفت است.

در حالی که ایران و آمریکا در تلاشند که اختلاف های فی مابین را حل کنند، کشورهای منطقه به جای تشدید اختلافات با آمریکا و فاصله گرفتن از آن کشور می باید این حرکت جدید به سمت خاورمیانه ای پر ثبات را با آغوش باز بپذیرند. در عوض مخالفت با سیاست های جدید ایران، کشورهای منطقه بهتر است به تلاش های دولت روحانی برای تحقق روابط حسنه با آمریکا پاسخ مثبت دهند. احتمالا تنش زدائی بین ایران و آمریکا راه دیگری هم به جز این در برابر کشورهای منطقه باز نگذارد.

در روز اول دسامبر ظریف در کویت گفت: "مطمئن باشید که معامله هسته ای به نفع ثبات و امنیت منطقه خواهد بود". در یک بیانیه رسمی عربستان سعودی اعلام کرد که توافقنامه ژنو را قدم اولیه در جهت رسیدن به یک توافق جامع بر روی مسئله هسته ای ایران تلقی می کند مشروط بر اینکه این امر منجر به تبدیل خاورمیانه به منطقه ای عاری از سلاح های کشتار جمعی شود. عربستان هم چنین اظهار امیدواری کرد که این گام نخست، به قدم های بعدی منتهی شود و حق همه کشورهای منطقه برای استفاده صلح آمیز هسته ای به رسمیت شناخته شود.

اندکی پس از مذاکرات ژنو ایران اعلام کرد که آماده است که فصل جدیدی در روابط خود با کشورهای منطقه خلیج فارس باز کند. هفته گذشته تهران میزبان وزیر امور خارجه امارات بود که از وی به گرمی استقبال شد. عبدالله بن زاید با حسن روحانی و همتای خود جواد ظریف ملاقات کرد. این سفر اولین از نوع خود پس از سال ها بوده است.

جواد ظریف در نخستین سفر خود به کشورهای عرب خلیج فارس، در منزل اول، در روز یکشنبه اول دسامبر، در کویت توقف کرد. هم چنین قرار است که وی به زودی از عربستان نیز دیدن کند. هم چنین این احتمال وجود دارد که وی در کنفرانس منامه، در بحرین، در روز 7 دسامبر شرکت کند. اینک زمان آن فرا رسیده که تهران و ریاض و کشورهای "شورای همکاری خلیج" به جای صحبت کردن از یکدیگر "با یکدیگر" صحبت کنند. ظریف به هنگام ورود خود به کویت به خبرنگاران گفت: "ما به عربستان به عنوان کشوری بسیار مهم و صاحب نفوذ در منطقه نگاه می کنیم".

زمان مناسب فرا رسیده که با حمایت بین المللی ایران، عربستان، عراق، و کشوری های عضو شورای همکاری خلیج، بر اساس طرح ده ماده ای، مبادرت به بر پائی "سیستم همکاری منطقه ای خلیج فارس" با هدف از میان بردن خصومت ها، ایجاد صلح و ثبات در منطقه و فراسوی آن، مبارزه علیه تروریسم و افراط گرایی، تحقق منطقه عاری از سلاح

های کشتار جمعی در خلیج فارس و تمامی خاورمیانه کنند.